

باری، بزرگ‌ترین مجتمع گردشگری - رفاهی غرب کشور

فراموشی زمان در غبار لذت و آرامش

ایمان مهدی‌زاده

زمان گم شده بود، اصلا کسی در پی آن نبود. تنها، طلوع و غروبی بسیار زیبا و خاطره‌انگیز روز و شب را از هم تفکیک می‌کرد. هنگامی که آخرین ماه پاییز را برای سفر به ارومیه انتخاب کردیم، در تصورمان نبود که فارغ از سرمای آذربایجان غربی تنها با لذت بردن از تماشای زیبایی‌ها، گذر زمان را فراموش می‌کنیم.

با تعجب از پرواز به موقع که هیچ تاخیری نداشت، راهی شهرستان ارومیه شدیم. همان دیار زادگاه زرتشت که قدیمی‌ترین کلیسای دنیا را در خود جای داده و مسلمانان شیعه و سنی در کنار اقوام و مذاهب دیگر ارتباط شهروندی محترمانه‌ای دارند. ارومیه شهرستانی است که بیشترین تنوع اقوام و مذاهب را در خود جای داده است. هنوز در این شهر هموطنان کلیمی محله‌ای به نام خود دارند. ارامنه، اکراه، ترک‌ها و عده‌ای فارس در شهری که چشم‌گربه ایران به چشم می‌آید، ساکن هستند.

پس از یک ساعت پرواز از روی کوه‌ها و ابرها در فرودگاه ارومیه پیاده شدیم. به محض ورود، کانتر مجتمع اقامتی - توریستی «باری» که فعالیت رزرواسیون هتل را در فرودگاه انجام می‌دهد، جلوی چشم قرار گرفت. در کوتاه‌ترین زمان ممکن ما را به خودرو هدایت کرده و مسیر شمال غرب را پیش گرفتیم. پس از طی حدود ۵۰ کیلومتر، پس از شهر قوشچی در محور ارومیه - سلماس به مجتمع توریستی - تفریحی - اقامتی «باری» رسیدیم.

جای دنج آرامش

سال‌ها پیش وقتی مسیر ارومیه - سلماس را طی می‌کردیم، همواره دریاچه‌ای تنها و چند رنگ که می‌دانستیم هیچ کس در آن غرق نمی‌شود، پا به پای جاده امتداد داشت. دریاچه‌ای که مروارید یتیم آذربایجان لقب گرفته و جزو جاذبه‌های کم‌نظیر ایران محسوب می‌شود؛ بزرگ‌ترین دریاچه آب شور دنیا. امروز اما از پنجره‌های گشوده هتل باری می‌توان به تماشای آرامش و نیلگونی این دریاچه زیبا ایستاد و زیبایی رنگ‌ها و سایه‌های جزایر پرتعداد در آبی آب را ستود.

اینجا بیشتر به درد

گردشگرانی می‌خورد که در پی آرامش هستند. همچون کسانی که تمرینات یوگا انجام می‌دهند یا هنرمندانی که نیاز به فضای برای تمرکز دارند. این جمله‌ها را «کیامرز کیهان‌فر» می‌گوید.

او که خود دستی در هنر و رنگ دارد و نامش را پای برخی تابلوهای آویخته بر تن دیوارهای هتل باری می‌توان دید. کیهان‌فر که مجتمع توریستی - اقامتی - تفریحی باری را کنار این دریاچه احداث کرده، آنجا را جایی دنج برای آرامش می‌نامد.

سخنانش را در ذهن می‌چرخانیم و بیشتر به سکوت، آرامش و ظرافت‌هایی که برای حصولش در نظر گرفته شده، می‌اندیشیم. گروهی دانشجوی معماری از دانشگاه معماری دانشگاه ارومیه برای دیدار از معماری ویژه باری به مجتمع آمده‌اند. معماری فضای بیرونی و داخلی با تلفیقی از رنگ و حجم نمایه‌ای از عصر پسمدرن را در قباب نگاه جا می‌اندازد. اغلب مصالح، رنگ و بوی سنت و فرهنگ معماری کلاسیک و بومی منطقه را دارد. طراحی کاربری این مصالح اما از پس اندیشه‌های نوین معماری مدرن می‌آید. در تمام مدت اقامت در «باری» نگاهمان و خط دیدمان نمی‌شکند. نگاه روی تن دیوارها می‌لغزد و تا نهایت امتداد دارد.

مهاجران بازگشتند

هتل باری پس از حد فاصلی بیش از ۷۰ متر مشرف به دریاچه زیبای ارومیه است. پنجره اتاق‌ها در انحنایی حساب شده رو به طلوع آفتاب باز می‌شوند. هنگامی که خورشید هزار رنگ، سایه بر دریاچه سفید و آبی می‌اندازد، صدها رنگ از پس کوه‌ها تا ساحل شوره بسته زیبایی مفتون کننده‌ای به رخ می‌کشد. به ویژه هنگام فراز آمدن خورشید و انعکاس تصاویر جزایر و کوه‌های اطراف دریاچه. پس از استراحتی کوتاه، راهی رستوران مجموعه هتل شدیم. رستوران سنتی ساسانی کنار هتل قرار دارد و رستوران بزرگ در پس پیچی سنگفرش و مشرف به دریاچه و لنگرگاه قایق‌های تفریحی. میز و صندلی‌های چوبی، چارچوب‌های چوبی و دیگر مصالح این مجتمع در کارگاه‌هایی احداث شده برای همین منظور تهیه شده‌اند. افراد بومی پس از گذراندن آموزش‌ها در کارگاه‌های تاسیساتی مشغول به کار شده‌اند. اغلب افراد شاغل در این مجتمع از اهالی روستای باری واقع در شمال مجتمع و امیدوار در امان کوه قوشچی هستند؛ برخی



از روستای «گلوان» و عده‌ای از شهرهای قوشچی و ارومیه. هر کس در پست تخصصی خود مشغول به کار است. حرکات موقر و آرام میزبانان همراه با لبخند، نخستین نمایه برای آغاز یک ارتباط کلامی شیرین است. همه کارکنان و میزبانان در حضور میهمانان فارس به زبان فارسی سخن می‌گویند و باری از محدود اماکن کشور است که این اصل قانونی در آن همواره جاری است.

به دیدار «مسعود مترجمی» مدیر سایت گردشگری باری می‌رویم و به گپ و گفت پیرامون چگونگی شکل گرفتن باری و اهداف آن می‌پردازیم. هدف غایی که پیش از اتمام فاز یک پروژه اکنون رضایت خاطر مسئولان و سرمایه‌گذار این سایت را فراهم کرده، بازگشت مهاجران روستای باری و ریشه‌کنی اعتیاد از منطقه است: «سال ۱۳۷۷ که این منطقه را برای ساخت این سایت انتخاب کردیم تنها ۱۵ خانوار در روستا سکونت داشتند. آنان هم سالمندانی بودند که شوق و توانی برای مهاجرت به شهر نداشتند. امروزه علاوه بر بازگشت نسل جوان باری، قوشچی و گلوان، آنان در مجتمع همکار می‌شوند. اغلب ازدواج می‌کنند و به آشیانه عشق می‌روند. این بزرگ‌ترین لذتی است که ما را به ادامه کار پروژه ترغیب می‌کند.»

آب باری را از چشمه‌های دامنه کوه کشیده‌اند. با استفاده از جدیدترین شیوه‌های اتصالات در بخش آب و فاضلاب، سیستم تاسیسات باری مجهز شده به طوری که هیچ آسیب زیست محیطی به اکوسیستم وارد نشود. علاقه و اطلاعات مدیران باری در حوزه محیط زیست بسیار جالب توجه است. یکی از سرگرمی‌های جذاب باری، پرورش خرگوش، کبک و سگ‌های شکاری تازی است. خرگوش و کبک را در منطقه آزاد باری رهاسازی می‌کنند تا با ازدیاد جمعیت، زیبایی‌های منطقه دوچندان شود.

بازگشت در زمان

کپهان‌فر، ما را برای صرف شام به رستوران دنج کنار چشمه فرا می‌خواند. گرم و صمیمی همراه خانواده و دوستان با خودروها راهی سه کیلومتری مجموعه هتل می‌شویم.

جاده‌ای کم‌عرض را آرام طی می‌کنیم. خرگوش‌هایی از جلوی نور چراغ خودرو از وسط جاده به حاشیه می‌دوند و جلوتر روباهی در پس سنگی خزیده است گویا به کمین یکی از این خرگوش‌هاست. به کلبه‌ای وارد می‌شویم که تداعی‌کننده درهای زمان است. انگار به هزار سال پیش باز گشته‌ایم. در چوبی و تسمه خورده ورودی با کلون‌هایش باز می‌شود تا

در کلبه‌ای شیروانی با چوب تبریزی خود را کنار شومینه‌ای هیزمی که چوب بادام می‌سوزاند، می‌باییم. سرمای زمستانی کوهستان پر می‌کشد. میهمانان و میزبانان گرد میز چوبی می‌نشینند. کیفیت غذاهای باری با توجه به دسرهای بومی گونه‌ای است که در مثل می‌گوییم «مزه‌اش زیر دندان می‌ماند». برایمان توضیح می‌دهند؛ از آنجا که زنان آذری در دستپخت زنانزد هستند، انتظار میهمانان در آذربایجان متفاوت است. از این رو کار آشپزی جزو حساس‌ترین و تخصصی‌ترین مشاغل باری به حساب می‌آید.

صبح پس از تماشای طلوع بی‌نظیر و مفرح به دیدار حیات وحش باری می‌رویم. سگ‌های شکاری و تازی که برای شکارهای مختلف با توجه به نژاد آموزش می‌بینند کنار یکدیگر در قفس‌هایشان مشغول بازی و در انتظار خروج هستند. دو گرگ خاکستری با چشمانی نافذ در میدانگاهی بزرگ‌تر که دلتنگی آزرده‌شان نکنند.

مار جعفری، مار آتشین، میمون، خرگوش‌های پرتعداد، طاووس‌های سفید و رنگی، قرفاول، تیهو، کبک، بلدرچین، مرغ‌های ژاپنی پاپر، سگ مینیاتور چینی تا چهار نفر شتر و دو اصطبل بزرگ اسب، چنان خیره‌مان می‌کنند که تنها گرسنگی و آفتاب مستقیم فرا رسیدن ظهر را خبر می‌دهد. اسب‌های باری دارای رتبه‌های برتر کشور و گاه مسابقات بین‌المللی در رده‌های سرعت و پرش هستند. اسب‌های اصیل نژادهای کرد، عرب، ترکمن، مجارستان، لهستان و آلمان با قامت‌های کشیده برای تمرینات روزانه آماده می‌شوند. مانژ سوارکاری در کنار زمین تیراندازی با کمان حوالی سالن چندمنظوره در حال ساخت، بخشی از مجموعه ورزشی باری را تشکیل می‌دهد. پس از لختی سواری و یورتمه برای استراحت به هتل بازمی‌گردیم تا بعدازظهر که عازم سونا و جکوزی شویم و در استخرهای روباز مجرای آب شیرین و آب شور که تصفیه شده دریاچه است، استراحتی مفرح را داشته باشیم. یکی از همراهان ترجیح می‌دهد در هتل به تماشای فیلم یا شنیدن موسیقی دلخواهش بپردازد. سیستم صوتی در تمام مجموعه باری، توان سرویس‌دهی موسیقی‌های مطرح بزرگان موسیقی دنیا را دارد. باری یک گروه موسیقی اصیل آذری هم با نام باری در اختیار دارد که می‌توانند دشت‌های فراخ و برف‌های دانه درشت آذربایجان را بنوازند.

زمان کم است. گرچه گم شده و به چشم نمی‌آید و اصلاً فراموش کرده‌ایم در چه ساعتی کجا بوده‌ایم، اما می‌دانیم پروژه باری آنقدر گسترده و زیباست که ۲ شبانه روز برای استفاده از بخش کوچکی از ظرفیتهای و زیبایی‌های منطقه بسیار محدود است. بلافاصله پس از صرف غذا راهی «کاظم داشی» می‌شویم. جایی که فاز ۲ پروژه باری در آن اجرا خواهد شد. ۲ صخره بزرگ چند صدمتری در ساحل به شکل منفرد و با فاصله از هم ایستاده‌اند. آب دریاچه پای صخره‌ها را در شوره‌هایش نگه داشته است. راهی پر پیچ و جذاب را در امتداد دریاچه از زیر چرخ خودرو ۲دیفرانسیل در می‌کنیم تا به این منطقه می‌رسیم. چشم‌انداز کوهستان و دریا در کنار هم منظره‌ای بی‌بدیل پیش رو می‌آورد. فاز ۲ پروژه باری در اینجا به اجرا در می‌آید. تاکنون حدود ۲۸۰ میلیارد ریال سرمایه‌گذاری در این محدوده انجام شده و هنوز بخش زیادی از کار طراحی و ساخت باقی مانده است. در صبحی آفتابی باری را به مقصد ارومیه ترک کرده و از کنار کوه‌های سپیدپوش قوشچی جاده سلماس - ارومیه را طی می‌کنیم تا با پرواز ساعت ۸:۳۰ صبح این شهر زیبا و آرام را به مقصد تهران ترک کنیم.